

«علت اینکه اینجا را انتخاب کردیم، این است که سوره‌های جزء بیست‌وهفتم و بیست‌وهشتم و این حدود، غالباً سوره‌های مدنی است و از سوره‌هایی است که در مدینه‌ی طیه بر پیغمبر اکرم (ص) نازل شده و مربوط است به بعد از تشکیل حکومت اسلامی، یعنی وضع کنونی ما. نوع مطالب و مسائلی که بعد از تشکیل حکومت برای یک جامعه لازم است با نوع مطالب و مسائلی که بعد از تشکیل مبارزه‌ی مردم برای تشکیل حکومت اسلامی است فرق می‌کند؛ کماینکه شما در جامعه‌ی خودمان هم این را مشاهده می‌کنید. امروز شما یک مسائلی دارید که این مسائل قبل از بهمن ۵۷ برای شما وجود نداشت، مطرح نبود...» ۶۱/۲/۱۷

شائبه یک نامه

آفتاب یزد: الجزیره در گزارشی مدعی است که ترامپ در نامه‌ای به ایران، اعلام کرده آماده است جان بولتون را برکنار کند. این که فقط بر اساس شایعات قرار باشد تحلیل کنیم بی تردید تحلیل ما را با خطا همراه خواهد کرد. از آنجایی که هنوز به موضوع نامه ترامپ آن هم با این محتوایی که گفته می‌شود نمی‌توان اعتماد کرد، پس نباید به تحلیل‌های درباره آن نیز بها داد. بلکه می‌بایست قدری منتظر شد تا صحت قضیه اثبات شود. اما اگر چنین نامه‌ای صحت داشته باشد می‌تواند اهمیت ایران را در سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا نشان دهد که علیرغم فشار قدرت و لابی صهیونیستی به طوری که بولتون خودش را کاملاً با آنها هماهنگ می‌کند اکنون گفته شود ترامپ ممکن است او را فدا کند تا بتواند به موفقیتی در ارتباط با مذاکره با ایران دست پیدا کند. این موضوع البته می‌تواند ناظر بر مسئله انتخابات آتی ایالات متحده آمریکا باشد چرا که ترامپ تاکنون هر آنچه که در توان داشته انجام داده است تا به مذاکره دوباره با ایران دست یابد، آمریکا حداکثر فشارهای اقتصادی و روانی خودش را بر ایران وارد کرد و متعاقب آن اعزام ناوگان دریایی و هواپیماهای بمب افکنش نیز در همین راستا بود تا ایران را بترساند. او همه کار کرد تا ایران را به پای میز مذاکره بکشاند اما تمام این تلاش‌ها بدلیل بی‌اعتمادی به دولت آمریکا بی نتیجه ماند. البته منکر فشارهای اقتصادی بر مردم نیستیم و شرایط امروز را نیز درک می‌کنیم اما بحث بر سر این است که این فشارهای اقتصادی روانی به آنچه که آمریکا می‌خواست منتهی نشد.

چارچوب مذاکره آبه در تهران

جوان: در هفته جاری تهران میزبان وزیر خارجه آلمان و نخست‌وزیر ژاپن خواهد بود تا در مورد کاهش تنش آمریکا با تهران و حفظ برجام گفت‌وگوهایی صورت گیرد. اهمیت این دیدارها به اندازه‌ای است که ژاپنی‌ها پس از ۴۰ سال و اروپایی‌ها که تا به حال هیچ مسئول عالی رتبه‌ای به تهران اعزام نکرده بودند، حاضر شده‌اند در بالاترین سطوح وارد میدان شوند. ژاپنی‌ها فقط ۵ درصد از نفت خود را از تهران خریداری می‌کنند، ولی ۸۰ درصد نفت خود را از دیگر کشورهای خلیج فارس وارد می‌کنند و آلمان، بالاترین مناسبات پایدار را با تهران در ۴۰ سال گذشته نسبت به بقیه کشورهای اروپایی داشته است. نگرانی ژاپنی‌ها از تنش در خلیج فارس به دغدغه‌های اقتصادی آن‌ها و غرب مرتبط است و آلمان از راهبرد جدید ایران در قبال عدم پایبندی به تعهدات اروپایی در برجام نگران هستند. آلمانی‌ها هم مثل فرانسوی‌ها، همان راهبرد آمریکایی را در قبال ایران دنبال می‌کنند، ولی در برخی تاکتیک‌های زمانبندی شده متفاوت فکر می‌کنند، یعنی از نگاه

غرب و امریکا، فقط مسئله صفر کردن درآمدهای نفتی ایران مطرح نیست و صفر کردن پتانسیل‌های قدرت ملی ایران مطرح است تا برای غارت ثروت ملی ایران، مانعی در پیش نداشته باشند. راهبرد اعلام شده از سوی شورای امنیت ملی ایران که از حمایت و پشتوانه یک اجماع ملی مقامات برخوردار است، اروپا را دچار خطای محاسباتی کرده و نمی‌خواهند با گام‌های قانونی ایران که یک سال نیز به اروپا فرصت داده و هیچ نتیجه‌ای به دست نیامده، در شرایطی قرار گیرند که اهداف راهبردی آن‌ها برای فرسایش قدرت ملی ایران، پابرجا بماند و دچار انفعال شوند. اروپا به خوبی می‌فهمد که در صف‌بندهای جدید بین‌المللی هیچ اهرم فشار جدیدی به جز سیاست‌های تحریمی و یکجانبه امریکا در اختیار ندارند و شورای امنیت سازمان ملل در اختیار آن‌ها نیست؛ لذا آلمانی‌ها بیشتر دنبال توقف راهبرد جدید ایران هستند و با وعده کانال مالی خود، قصد استمرار بازی زمان را دارند تا اقتصاد ایران را ضعیف‌تر کنند. ژاپنی‌ها نگران حفظ مناسبات و خرید ۵ درصدی نفت از ایران نیستند بلکه نگران هستند که ایران در قبال سیاست صفر کردن صادرات نفت ایران توسط امریکا، واکنش نشان داده و اقتصاد ژاپن و غرب و جهان دچار شوک قیمتی شود؛ لذا شینزو آبه که می‌داند یک خط قرمز ایرانی در مقابل ترامپ وجود دارد، به دنبال یک میانبر دیپلماتیک است تا یک حداقل امتیاز برای ترامپ به دست آورده و یک دیدار برای ترامپ در حاشیه نشست سازمان ملل دست و پا کند تا کارت بازی ترامپ در انتخابات امریکا باشد. صورت مسئله برای ایران روشن است و آنچه ژاپن و غرب را واداشته تا در بالاترین سطوح دیپلماسی خود به تهران بیایند، راهبرد مقاومت در مقابل ترامپ و موازنه‌سازی در قبال اروپاست تا به تعهدات خود عمل کند و این راهبرد ایرانی کارکردهای خود را به خوبی در مواضع امریکا نشان داده و از سوی دیگر نفاق و خباثت اروپایی‌ها را علنی کرده است. تأکید بر راهبردهای ایرانی در خلیج فارس و دریای عمان و مجبور کردن اروپا به اجرای تعهدات مالی و تجاری در چارچوب برجام، تنها رویکرد مؤثر برای حفظ منافع ملی و امنیت ملی ایران است که نیاز به مذاکره با ترامپ و حتی اروپا ندارد. جنگ اقتصادی ترامپ و غرب، حتی اگر ادعا کنند برای براندازی در ایران نیست، ماهیت روشنی دارد و دروغین بودن این ادعا آشکار است، لذا ایران حق دارد برای حفظ منافع و امنیت ملی خود در چارچوب‌های قانونی و بین‌المللی از همه توان خود بهره جوید. این تصویری است که باید وزیر خارجه آلمان و شینزو آبه از تهران با خود منتقل کنند.

درباره استعفای بطحایی

صبح نو: برجام نقش نخ تسبیح دولت حسن روحانی را ایفا می‌کرد. گویا این برجام بود که به دولت هم انگیزه و روحیه می‌داد، هم انسجام و وحدت می‌بخشید. به واسطه توافق هسته‌ای بود که دولت اول روحانی توانست به خود مشروعیت و مقبولیت دهد و حتی رأی اعتماد مجدد از مردم بگیرد. این دولت بر زیرساختی از دیپلماسی بنا شده و حیات گرفته بود و جلو می‌رفت. از این زاویه می‌توان گفت خروج ترامپ از توافق هسته‌ای بزرگ‌ترین ضربه را به دولت حسن روحانی وارد کرد. در واقع می‌توان گفت تضعیف برجام به معنای ضربه‌ای سخت و شدید به فلسفه دولت تدبیر و امید محسوب می‌شد. این ضربه، قدرت خود را در شکننده شدن دولت نشان داد. به تعبیری می‌توان گفت که دولت در بخش زیرساخت دچار چالشی جدید شد و انگار که زیر پایش خالی شده باشد در تعلیق حرکت را ادامه داد؛ اما روحانی تلاش خود را مصروف نگه داشتن ایران در برجام کرد. از نظر او، خروج ایران از توافق هسته‌ای می‌توانست کار او را کاملاً تمام کند. به همین دلیل، او تلاش کرد تا حکومت را برای ماندن در برجام قانع کند، ولی مشکلات عمده او از درون آغاز شده بود که این موضوع خود را در استعفای قاضی‌زاده‌هاشمی، آخوندی و مسعود نیلی و در نهایت بطحایی نشان داد. استعفای

بطحایی گرچه به دلیل نامزدی در انتخابات مجلس عنوان شده اما در واقعیت می تواند فرار یک شبه از هیات دولت باشد. دولت روحانی در اداره کشور ضعیف عمل می کند و از اعتماد به نفس در مدیریت خالی است و همین موضوع اتمسفر کلی پیرامون دولت را منفی جلوه می دهد. از همین روست که امثال بطحایی ادامه دادن با این دولت را در بلندمدت به سود خود نمی دانند.

رعب موشک های نقطه زن

کیهان: سیدحسن نصرالله در سخنرانی روز قدس خود اعلام کرد درباره قدرت موشکی خود و کیفیت آن مذاکره نمی کند و آمریکایی ها نمی توانند با وعده بهبود وضعیت اقتصادی و دادن وام به لبنانی ها، حزب الله را وادار به قبول مذاکره با آمریکا نمایند. او درباره کارخانه تولید سلاح های دقیق با همان نقطه زن در خاک لبنان گفت چنین کارخانه ای نداریم ولی این نیز موضوعی قابل مذاکره نیست.

مهم این است که حزب الله هزاران موشک نقطه زن دارد چه خود سازنده آن باشد و در لبنان این کار صورت گرفته باشد و چه حزب الله از طرق دیگر به دست آورده باشد. مسئله اسرائیل وجود موشک های نقطه زن است نه محل ساخت آن.

در طول چند سال گذشته، رژیم اسرائیل با دقت زیاد رد محموله های انتقالی به لبنان را گرفته و هر کجا به خبری راست یا دروغ برخورد کرده وارد عمل شده و بمباران کرده است. در این میان سوریه بیشترین موارد این نوع از حمله های رژیم را متحمل شده است. جالب این است که طی سال های گذشته اسرائیل برای غلبه بر ترس و نگرانی ناشی از دستیابی حزب الله به تعداد بیشتری سلاح نقطه زن، به نقاطی در سوریه حمله کرده است بدون آنکه به تأسیسات سوریه آسیب جدی وارد شده باشد.

حزب الله به موشک های دقیق دست پیدا کرده است و خبری وحشتناک تر از این برای اسرائیل وجود ندارد. حزب الله در جریان جنگ ۳۳ روزه تعداد کمی از این موشک های نقطه زن را در اختیار داشت و در یک مورد توانست به وسیله آن قلب متروی حیفا را نشانه گرفته و از کار بیندازد و در موردی دیگر با اعلام قبلی، ناوچه ساعر پنج را در مدیترانه - نزدیک به سواحل بیروت - غرق نماید. اما حالا اسرائیل با تعداد بسیار زیاد این سلاح ها مواجه شده است. و این همه باز در حالی است که دقت این موشک ها از ۱۳ سال پیش بیشتر است. علاوه بر این در این سال ها حزب الله به اطلاعات حساسی از مکان های اسرائیل دست پیدا کرده و می تواند - در صورت شروع جنگ - در یک ساعت به این نقاط حمله ور شود و در واقع جان اسرائیل را بگیرد. الان نزدیک به دو دهه است که میان یهودی های دولتی و مدنی یک اجماع به وجود آمده و آن سختی درگیر شدن با حزب الله است. در روز هفتم جنگ ۳۳ روزه روزنامه چاپ گرای معاریو اسرائیل هنوز روی پیروزی حتمی اسرائیل در جنگ تأکید می کرد در حالی که امیدی به آن نداشت و روزنامه یدیعوت آحارنوت در یادداشتی به قلم «الیاکیم فیشمان» تحلیلگر نظامی ارتش نوشت: «وضع حزب الله روشن نیست ولی پایدار است و لذا ما نباید خود را در موقعیت پیچیده نظامی با حزب الله بیندازیم» این روزنامه از قول یک فرمانده تیپ ویژه گولانی نوشت: «رزمندگان حزب الله موفق شدند در «بنت جبیل» به ما کمین بزنند و باران گلوله را بر سر ما ریختند. آنان جنگجویان حقیقی هستند. ما در نهایت در برابر آنان پایداری کردیم ولی کاری بسیار سخت بود.»

رژیم صهیونیستی در آن جنگ ناگزیر شد شکست را بپذیرد و کمیته وینوگراد که چند ماه پس از پایان جنگ شکل گرفت در گزارش خود با صراحت اعلام کرد که حزب الله پیروز شده است. الان این رژیم با حزب اللهی مواجه است که به دلیل

به نتیجه رساندن برنامه مهار اسرائیل و تحمیل شکست به آن در جنگ‌ها، روحیه تازه‌ای پیدا کرده است. در حالی که در اوایل جنگ ۳۳ روزه، شدت عملیات‌های تهاجمی هوایی اسرائیل، تصویری از یک ارتش پیروز را از نظامیان این رژیم به وجود آورده بود. الان نه لبنانی‌ها و نه اسرائیل در پیروزی قطعی حزب‌الله اگر جنگی صورت بگیرد، تردیدی ندارند. اما البته این به آن معنا نیست که حزب‌الله به استقبال جنگ برود. جنگ منطق خود را دارد و به دلیل آنکه جنبه امنیت ملی آن خیلی بالاست، به تمهیدات و طی مقدمات نیاز دارد. البته وقتی حمله از طرف مقابل صورت می‌گیرد این تمهیدات و مقدمات خود به خود طی شده و پاسخ قاطع نظامی به حمله را کاملاً موجه می‌گرداند.

شوک مالیاتی به خریداران سکه

وطن امروز: به گزارش «وطن امروز» سازمان امور مالیاتی اعلام کرده، خریداران تا ۲۰ سکه که طی سال ۹۷ سکه خود را دریافت کرده‌اند، مشمول مالیات نیستند اما برای افرادی که بیش از ۲۰ سکه دارند، مالیات مقطوعی وضع شده است که بر اساس آن نسبت به مازاد ۲۰ سکه تا میزان ۶۰ سکه به ازای هر سکه یک میلیون و ۵۰۰ هزار ریال مالیات مقطوع تعیین شده است. ضمن اینکه نسبت به مازاد ۶۰ سکه تا میزان ۱۰۰ سکه به ازای هر سکه ۲ میلیون ریال مالیات مقطوع تعیین شده و نسبت به مازاد ۱۰۰ سکه تا میزان ۲۰۰ سکه به ازای هر سکه ۲ میلیون و ۵۰۰ هزار ریال مالیات مقطوع وضع شده است، البته مشمولان می‌توانند نسبت به قسط‌بندی مالیات خود هم اقدام کنند. در این میان صاحبان مشاغلی که حسب سوابق پرونده یا مجوز صادره از سوی مراجع ذی‌ربط به شغل مرتبط با خرید و فروش سکه اشتغال دارند، مشمول این مالیات نیستند و مکلفند نسبت به تنظیم اظهارنامه مالیاتی شغلی خود اقدام کنند.

در بسیاری از کشورهای جهان، بر درآمد حاصل از سرمایه‌گذاری در تملک دارایی‌های سرمایه‌ای مالیات وضع می‌شود که تحت عنوان مالیات بر عایدی سرمایه (Capital Gains Tax) به عنوان یکی از اجزای نظام مالیاتی شناخته می‌شود. ایران طی سال‌های اخیر از ظرفیت این نوع مالیات استفاده نکرده که این موضوع در کنار نرخ تورم بالا و افزایش حجم نقدینگی و نبود فضای کسب‌وکار مناسب، ایران را به بهشت سوداگران مبدل کرده است. با عنایت به تحولات اقتصادی کشور در یک سال اخیر، بسیاری از صاحب‌نظران اقتصادی معتقدند از علل عمده آشفته‌گی بازار برخی دارایی‌ها نظیر مسکن، سکه، ارز و خودرو فقدان یک نظام کارآمد مالیات بر عایدی سرمایه در کشور بوده که سبب شده سفته‌بازان علاوه بر کسب درآمدهای سرشار، به افزایش هرچه بیشتر قیمت دامن بزنند لذا به تعبیری می‌توان مالیات بر عایدی سرمایه را نوشدارویی برای مقابله با غارت دسترنج مردم تعبیر کرد.

